



سوره مبارکه رعد

جلسه سوم: ۹۳/۲/۹

* نگاهی اجمالی به آیات ۱ تا ۱۵ که جلسه قبل درباره آن توضیح داده شد:

- آیات ۱ تا ۴ سوره مبارکه رعد کاربردهای متعددی دارد، یکی از آنها این است که اگر کسی خواست «یقین»، «تفکر» و «تعقل» را برای خود تبیین کند و بفمَد که تفکر، یقین و تعقل چیست با سه آیه ۲ و ۳ و ۴ این سوره می‌تواند این کار را انجام دهد. یعنی مدلی که در آیه ۲ بیان شده مدلی کامل برای «یقین» و آیه ۳ مدل کلی برای «تفکر» و آیه ۴ مدل کلی برای «تعقل» است.
- باید تأمل کرد که چرا هر جا فرآیندها و نظام زوجیت و بسترها دیده می‌شود، «تفکر» انجام می‌دهیم و هر جا تفصیل و ماء واحد جاری در موقعیت‌های مختلف دیده می‌شود، «تعقل» را بررسی می‌کنیم و یقین نیز به همین ترتیب.
- آیات ۲ و ۳ و ۴ آیاتی بسیار بلند و قوی هستند. این سه آیه، کارکردهای متفاوتی دارند. یکی از آن کارکردها استخراج مدل تفکر، تعقل و یقین است. کارکرد دیگر که مهم‌تر از اولی می‌باشد این است که هر سه برای تبیین «حق» تمثیلی هستند.
- شروع «تمثیل» - که در این سوره بسیار مهم و پررنگ است - از همین سه آیه است.
- در این سه آیه نظام تمثیلی که مشاهده می‌شود، فرآیند حقی را روشن می‌کند. اگر این سه آیه را به صورت تمثیلی بخوانیم و اینها را جلوه از حق بالاتری ببینیم و آن حق را شناسایی کنیم مطالب بسیاری بر سبیل تمثیل به دست خواهیم آورد.
- این سه آیه بسیار قدرتمند هستند و به لحاظ تمثیل بسیار جامع‌اند و به تنهایی در اینها می‌توان تدبیر کرد.
- می‌توان هنگام مطالعه آیات بعدی، بارها به این سه آیه برگشت کرد و مجدد آنها را با رویکرد جدید مطالعه کرد.
- نکته مهم:

- ❖ اگر درباره هر چیز امتداد، راه‌ها، نتایج، ساختار زوجیت و بسترهای بررسی شود، گفته می‌شود در آن چیز «تفکر» کرده‌ایم.
- ❖ اگر درباره هر چیز قطعات مختلفش اما حق واحد و جاری در آن بررسی شود و تفضیل نسبت به هم آن نیز بررسی شود گفته می‌شود آن چیز را «تعقل» کرده‌ایم.
- ❖ هرگاه وجه‌هایی واضح شود که قابل رؤیت نیست و نظام تدبیر جاری در آن پدیده مشاهده شود و در عین حال اجل آن چیز دیده شود، در واقع وجه «یقینی» آن چیز را بررسی کرده‌ایم.
- آیه ۵: همه آیات سوره را هم با وجه مصداقی و هم با وجه تمثیلی می‌توان مطالعه کرد.
- مثال برای آیه ۵:

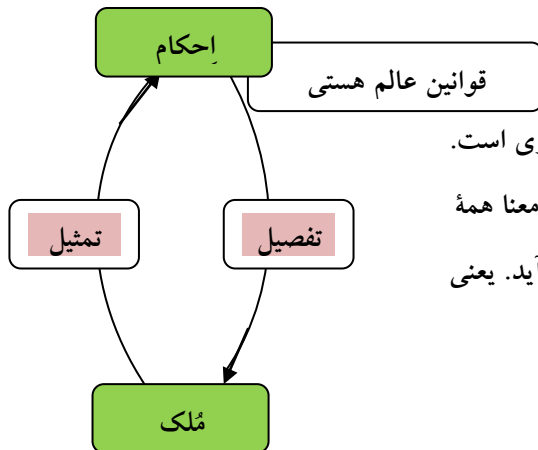
- ❖ وجه مصداقی: چگونه ممکن است وقتی تراب می‌شویم، خلق جدید شویم؟
- ❖ وجه تمثیلی: حقیقت و غایتی مد نظر است که با اسباب ظاهری مورد نظر، رسیدن به آن غایت مورد نظر نیست. اگر کسی گیر این موضوع باشد برایش اغلال ایجاد می‌کند.
- اگر کسی در رسیدن به نتایج، صرفاً اسباب را ببیند این مسئله برایش «اغلال» ایجاد می‌کند و دیگر بیرون از آن چارچوب نمی‌تواند نگاه کند.

آیه ۶: در این آیه به وضوح بیان کرده که همه داستان‌های گذشته در اصل مثل بوده‌اند (مثلات). خدا از انسان می‌خواهد جریان حقیقی و رای این مثل را مشاهده کنیم و آن را آینه قرار دهیم، تمثیل کنیم و در زندگیمان برگردان کنیم.

آیه ۷: اگر نظام تمثیل در زندگی کسی فعال نباشد، هیچ آیه‌ای به درد او نمی‌خورد.

در باره «نظام تمثیل» جلسه گذشته بیان شد که:

* هرگاه نظام احکام یعنی قوانین نظام عالم هستی به سمت عالم ملک ریزش می‌کنند، به این فرآیند «تفصیل» گفته می‌شود و هرگاه همین نظام را از پایین به سمت بالا حرکت کنیم به آن «نظام تمثیل» گویند.



- «تمثیل» یعنی اینکه وجه پایین را مثل قرار دهیم برای رؤیت حقی که در آن جاری است.

- یعنی هرگاه از سمت پایین به بالا حرکت کنیم در واقع نظام تمثیل است. با این معنا همه آیات قرآن و معارف انبیاء تمثیل هستند. البته تمثیل می‌تواند به شکل‌های مختلف آید. یعنی به شکل امر و نهی، ضرب‌المثل، داستان و ... آید.

- اگر نظام تمثیل در کسی فعال نباشد هیچ آیه‌ای به دردش نمی‌خورد.

آیه ۸: این آیه بیان می‌کند که شما آنچه را در رحم‌ها دارید و آنچه که در خودشان است را کم و زیاد می‌کنند، از آن بی‌خبر هستید. خدا این مسئله را تمثیلی برای درک «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» قرار داده و این قسمت را تمثیلی برای «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ» و این قسمت را نیز تمثیلی برای «الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (۹)» قرار داده است. یعنی هر قسمتی تمثیلی برای قسمت بعدی است. به راحتی می‌توان وجود مراتب در تمثیل را با این دو آیه فهمید. بالا رفتن پله پله، کار تمثیل است.

- همه آن چیزی که در «تفکر» گفته می‌شود در معنای واژه تمثیل می‌آید به همین دلیل، «تفکر» اصلی‌ترین ابزار برای نظام تمثیل است. آیات ۱۰ و ۱۱: انتظار داریم پدیده‌های اطرافمان، ما را عوض کنند تا ما عوض شویم، اما حرف خدا این است که عالم ثابت است و اگر کسی می‌خواهد اصلاح صورت گیرد باید خودش را عوض کند.

آیات ۱۲ و ۱۳: این دو آیه تمثیل آیه ۱ است یعنی تمثیلی برای «انزال کتاب». به عبارتی انزال یعنی رعدی، آسمان وجود انسان را بارانی می‌کند سپس تا مدتها به تدریج علی‌التنزیل این باران می‌بارد. «انزال» وقتی است که عالم نگاهمان تغییر می‌کند و تنزیل آن وقتی است که در آن عالم مطالب جدید می‌فهمیم.

- هرگاه عالم زندگیمان تغییر کند برایمان «انزال» اتفاق افتاده است.

آیات ۱۴ و ۱۵: بیان شد برای درک انزال است که از زبان تمثیل استفاده می‌شود زیرا باید حقایق نازل شوند و برای انزال آنها به زبان تمثیل احتیاج است. (ما در عالمی هستیم که حقایق عالم بالاتر را به ما می‌خواهند برسانند لذا آن را با زبان تمثیل می‌رسانند).

ادامه آیات:

- حضرت علامه طباطبایی آیه ۱۶ را به تنهایی دسته سوم در نظر گرفته‌اند:

دسته سوم آیه ۱۶:

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَخْلُقُونَ لِنَفْسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ

النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (١٦)

بگو: پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو: خدا. بگو: پس چرا غیر او سرپرستانی گرفته‌اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ بگو: آیا کور و بینا یکسانند؟ یا تاریکی‌ها و نور برابرند؟ آیا برای خدا همتایانی قرار داده‌اند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و این آفرینش بر آنها مشتبه شده است؟ بگو: خدا خالق هر چیزی است، و او یگانه قهار است.

– آیه ۱۶: اگر کسی می‌خواهد نظام تمثیل، آیه‌بینی، انزال و ... در او فعال شود باید:

۱- نفع و ضرر و مبنای نفع و ضرر خود را تشخیص دهد.

۲- به تمایز بین بینا و نابینا بودن توجه کند.

۳- باید بین ظلمت و نور تمایز قائل شوند.

– اصلی‌ترین تمایزی که انسان باید بفهمد این است که «خالق» و «مخلوق» دوتاست. نمی‌توان قوانین خالق را به مخلوق نسبت داد.

– حضرت علامه طباطبایی آیات ۱۷ تا ۲۶ را دسته سوم در نظر گرفته‌اند:

دسته چهارم آیات ۱۷ تا ۲۶:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِعًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (١٧)

از آسمان آبی فرو فرستاد، پس دره‌ها و مسیل‌ها به وسعت خود جاری شدند، و سیلاب، کف بالا آمده‌ای برداشت، و از آنچه [از فلزات] بر آتش ذوب می‌کنند تا زیور و کالایی سازند نیز مانند آن کفی است. خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند. اما کف به کنار می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌دهد در زمین می‌ماند.

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (١٨)

کسانی که پروردگارشان را اجابت کردند برای آنها بهترین [پاداش] است، و کسانی که او را اجابت نکردند، اگر همه آنچه در زمین است و همانندش از آن آنها باشد، حتماً آن را برای بازخرید خویش خواهند داد. آنها را حساب بدی است و جایشان دوزخ است و بد آرامگاهی است.

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الْأَلْبَابِ (١٩)

پس آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده حق است، مانند آن کسی است که کور [دل] است؟ فقط خردمندان متذکر می‌شوند،

الَّذِينَ يُؤْفِقُونَ بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (٢٠)

همانان که به عهد خدا وفا می‌کنند و پیمان [خدا] را نمی‌شکنند.

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (٢١)

و کسانی که هر آنچه را خداوند به پیوستن آن فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از بدی حساب بیم دارند.

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَبَدَرُوا بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (٢٢)

و کسانی که برای طلب رضای پروردگارشان صبری کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم در نهان و عیان انفاق کردند، و بدی را به نیکی برطرف ساختند، نیک فرجامی سرای آخرت برای آنهاست.

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (٢٣)

بهشت‌های جاودانی که آنها با پدران و همسران و فرزندان‌شان که درستکارند در آن داخل می‌شوند، و فرشتگان از هر دری بر آنها وارد می‌شوند،

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (٢٤)

[و می‌گویند:] سلام بر شما به خاطر صبرتان. پس چه نیک است فرجام آن سرای!

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (٢٥)

و کسانی که پیمان خدا را پس از تحکیم آن می‌شکنند، و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، آنها برایشان لعنت است و آنان راست بد فرجامی سرای آخرت.

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (٢٦)

خداوند روزی را برای هر که بخواهد وسعت می‌دهد یا تنگ می‌کند و آنها به زندگی دنیا سرمست شدند، در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز متاعی اندک نیست.

- آیه ۱۷: این آیه یکی از آیات غرر در زمینه تمثیل در قرآن است.

- مثلی که در آیه ۱۷ آمده است اصلاً توضیح نمی‌خواهد و بسیار واضح است. همان‌طور که آب باران پایین می‌آید و در نهرهای مختلف جاری می‌شود، چون این آب تلاطم دارد روی آن کف قرار می‌گیرد، این کف همان «باطل» است و آب زیر آن همان «حق» است. این کف همان «ظلمت» است و آب زیر آن همان «نور» است. «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» آنچه که می‌ماند همان به دردمان می‌خورد.

- توجه: سه مورد بالا مشکل اصلی آدم‌هاست همه گیر نفع و ضرر واقعی هستند و اینکه خالق و مخلوق را کنار هم می‌گذارند

زنگ دوم:

- آیه ۱۸: برای فهم آیه ۱۸ باید از آیه ۱۴ به بعد آیات را دید. خداوند تبارک و تعالی با همه پدیده‌های عالم انسان را دعوت کرده است. یعنی هر آنچه که در عالم می‌بینید «دعوت به سوی خدا» است.

- همه هستی دعوت انسان به سمت «قرب» است. البته به شرط آنکه با چشم تمثیل ببینیم. اگر انسان با چشم تمثیل مشاهده کند همه هستی را دعوت خداوند می‌بیند بنابراین آیه ۱۸ برایش اتفاق می‌افتد. یعنی هر کس دعوت را اجابت کرد «حسنی» برای اوست. فقط انسان باید دعوت خدا را اجابت کند تا همه آنچه که حُسن است از عاقبت، ثمره، نتیجه، زندگی و ... «حسنی» نصیبش شود. (لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى)

- دعوت خدا این است که اگر انسان با چشم تمثیل ببیند در می‌یابد که همه وقایع زندگی به دیده تمثیل دعوت به یک قانون حق هستند.

- «نفع» یعنی هر چیزی که برای انسان سودمند واقع شده و او را به جایی می‌رساند.

- هر پدیده دنیایی در خودش نفع ندارد. نفع در ظاهر خوب و بد بودن پدیده‌ها نیست بلکه در گنه هر اتفاق خوب و بدی به چه نفع و ضرر حقیقی‌ای می‌رسیم، نفع است.

- نفع این است که هر جایی، پیامی از جانب خدا به دل ما مخابره شود که فلان جور ببین یا نبین، این حرف را بزن یا نزن و ... اینها همگی دعوت خداست. «دعوت خدا» صرفاً احکام شرعی نوشته شده در رساله‌های عملیه نیست.

- وَ الَّذِينَ كَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ: اگر کسی دعوت خدا را استجابت نکند، اگر برای رسیدن به نفع همه آنچه را در زمین دارد، بدهد به هیچ چیزی نخواهد رسید.

- آیه ۱۹ اولوالالباب یعنی توضیح می‌دهد کسانی را که در گروه «لا یؤمنون» نیستند. (آیه ۱: وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱))

- آیا کسانی که حق بودن نزول کتاب و ... را می‌فهمند با کسانی که نمی‌فهمند برابرنند؟! آیا کور با بینا مساوی است!!!!

- به کسانی که حق بودن آیات را می‌فهمند «اولوالالباب» گویند.

- آیه ۱۹ و چند آیه بعد از آن مشهور جامعی از شخصیت «اولوالالباب» در قرآن را بیان کرده است.

- «اولوالالباب» کسانی هستند که حق بودن نزول قرآن به رسول خدا را می‌فهمند و متذکر می‌شوند.

- منظور از «اولوالالباب»، اهل بیت نیستند بلکه کسانی مانند سلمان، مالک و ... هستند. «اولوالالباب»، ماهایی هستند که از نور خورشید آکنده می‌شوند و مانند قمر منیر می‌درخشند.

- آیه ۲۰: اولین وصف «اولوالالباب» این است که وفا می‌کنند آنچه را با خدا میثاق بسته‌اند و نقض عهد و میثاق نمی‌کنند. آنها عهدهایی را که با مردم می‌بندند نیز عهد خدا می‌دانند زیرا خدا گفته عهدتان را نگه دارید. (الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰))

- آیه ۲۱: دومین وصف «اولوالالباب» این است که هر آنچه خدا به انجام آن، جاری شدن و اتصالش دستور داده، عمل می‌کنند. (وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ)

- آنها نسبت به خدا در خشیت هستند. یعنی قلب و دیده و چشم و جوارحشان در خشیت کامل نسبت به خداست. آنها در نهایت تسلیم در برابر خداوند. (وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ)

- آنها به شدت از حساب بد، ترسند. آنها بسیار نگران عاقبت به خیری‌اشان هستند. این نگرانی در آنها مراقبت ایجاد می‌کند. (وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱))

- آیه ۲۲: «اولوالالباب» ابتغاء وجه ربّ دارند یعنی دنبال وجه خدا هستند. آنها در زندگی روزمره، رسیدن به شیء را نمی‌خواهند بلکه بلکه «وجه ربّ» را می‌خواهند. مثلاً رسیدن به ازدواج را نمی‌خواهند بلکه مودّت را می‌خواهند. البته آنها در راه رسیدن به ابتغاء وجه ربّ، «صبر» دارند و این ابتغاء دفعی ایجاد نمی‌شود و استمرار و پایداری می‌خواهد (وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ) - رابطه آنها با خدا در نماز به درستی و تمامی اجرا می‌شود. (وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ)

- «اولوالالباب» زیاد انفاق می‌کنند. انفاق نیز یعنی به ازای رابطه با خدا و دیدن وجه ربّ، در پنهان و علن با مردم ارتباط دارند. زیرا انفاق گاهی لازم است پنهانی و گاهی علنی صورت گیرد. به خاطر همان ابتغاء وجه ربّ روحیه و فرهنگ آنها انفاق است. (وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً)

- هر جایی که به سمت «اولوالالباب» سیئه پرتاب شود آنها، آن سیئه را با «حسنه» جواب می‌دهند. (وَ يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ)

- عاقبت نیک از آن «اولوالالباب» است. (أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۲۲))

- آیه ۲۳: «اولوالالباب» آنقدر آدم‌های وسعت‌داری هستند که نه تنها خودشان بهشت می‌روند بلکه همسران، فرزندان و پدرانشان را نیز با خود به بهشت می‌برند. این تصویر قیامتی این افراد است اما تصویر دنیایی‌اشان این است که با همه آدم‌هایی که به آنها متصل‌اند لینک برقرار می‌کنند (جَنَّاتٍ عِدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَرْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ)

- ملائکه به آنها می‌گویند از هر دری که می‌خواهید وارد شوید. وارد شدن از درهای مختلف به این معناست که آنها در همه شئون مختلف زندگی وصف «اولوالالباب» برایشان صادق است. (وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (۲۳))

- آیه ۲۴: سلام ملائکه بر آنهاست به واسطه صبری که کردند. قابل توجه است از بین همه اوصاف بالا، صبر را آورده است. (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴))

- «سلام آوردن ملائکه بر آنها» یعنی ملائکه بر «اولوالالباب» نهایت امنیت را می‌آورند و آنها سرسوزنی خوف ندارند.

- توجه: «اولوالالباب» در همه منظومه بالا صبر دارند و بر همه کارهای ذکر شده در آیات قبل ایستادگی و مداومت و عدم خستگی دارند.

- آیه ۲۵: از این آیه اوصاف گروه مقابل «اولوالالباب» را بیان کرده است. بدیهی است که صفات این گروه دقیقاً مقابل صفات «اولوالالباب» است.

- وقتی آنها نقطه مقابل «اولوالالباب» قرار می‌گیرند و کاملاً مسیرشان از آنها جدا می‌شود نتایج بدیهی و قطعی برایشان اتفاق می‌افتد. یکی از آن نتایج، «فساد در ارض» است. (يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ)

- «اولوالالباب» در قیامت در «نعم الدار» قرار دارند (فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) و اینها در «سوء الدار» (أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ)

- آیه ۲۶: با اینکه خداست که در این عالم بسط رزق و یا تنگی رزق می‌دهد، اما آنها با حیات دنیا خوشحال می‌شوند (وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا).

- این آیه بسیار زیباست. در همه جای قرآن دنیا را «متاع غرور» معرفی کرده است. اما در این آیه (وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ) بیانت می‌دارد «کل دنیا در برابر آخرت یک تمتع بیش نیست».

- حضرت علامه آیات ۲۷ تا ۳۵ را دسته سوم در نظر گرفته‌اند:

دسته پنجم آیات ۲۷ تا ۳۵:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ (۲۷)

و کسانی که کافر شدند می‌گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشد؟ بگو: خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را توبه کند و باز گردد، به سوی خویش هدایت می‌کند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸)

همانان که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرام گیرد.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حَسَنُ مَا بِ (۲۹)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پاکیزه‌ترین [زندگی] و سر انجام نیکو برای آنهاست.

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِيَتْلُوا عَلَيْهِمُ الْقُرْآنَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابُ (۳۰)

بدین گونه تو را در میان امتی فرستادیم که پیش از آن امت‌هایی گذشته‌اند، تا آنچه را به تو وحی کرده‌ایم بر آنها بخوانی، در حالی که آنها به خدای رحمان کافر می‌شوند.

وَ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعاً فَلَمَّ يَتَأَسَّ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعاً وَ لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيباً مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱)

و اگر قرآنی بود که کوه‌ها بدان به راه می‌افتادند یا زمین بدان تکه تکه می‌گردید یا مردگان با آن به سخن می‌آمدند [باز ایمان نمی‌آوردند]، بلکه رشته همه کارها به دست خداست. آیا کسانی که ایمان آورده‌اند [از ایمان اینان] مأیوس نشده [و ندانسته] اند که اگر خدا می‌خواست قطعا تمام مردم را [اجباراً] به راه می‌آورد؟ و کسانی که کافر شدند پیوسته به سزای آنچه کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای به آنان می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید تا وعده‌ی [نهایی] خدا فرا رسد. آری خدا خلف وعده نمی‌کند.

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَيْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَفَيْكَ عِقَابُ (۳۲)

و بی‌گمان فرستادگان پیش از تو نیز مسخره شدند، پس به کسانی که کافر شدند مهلت دادم، آن‌گاه آنها را عقوبت کردم پس [بنگر که] عقوبت من چگونه بود.

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بَظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَ صَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَنْ يَضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

آیا کسی که مراقب عملکرد هر فردی است [شریک دارد]؟ و حال آن که برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: آنها را [به اوصافشان] نام ببرید آیا چیزی را به او خبر می‌دهید که از وجود آن در زمین بی‌خبر است یا سخنی سطحی و بیهوده می‌گویید؟

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَعَذَابِ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (۳۴)

برای آنها در زندگی دنیا عذابی است، و عذاب آخرت قطعاً دشوارتر است، و ایشان را در برابر خدا هیچ حافظی نیست.

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ عُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ (۳۵)

وصف بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده این است که از زیر درختانش نهرها جاری است [و] میوه‌ها و سایه‌اش دائمی است. این سرانجام تقواییستگان است، و عاقبت کافران دوزخ است.

- آیه ۲۷: کسانی که کافرند برای ایمان آوردن بهانه‌جویی می‌کنند و معجزه‌های عجیب و غریب از رسول می‌خواهند. آنها باید بدانند

برای ایمان آوردن احتیاج به شق القمر نیست بلکه باید انسان خودش را تغییر دهد.

- خدا قانون کرده که اگر کسی به دعوت رسول پاسخ ندهد و تمثیل، آیات و غیره برایش کارساز نباشد، دچار «ضلالت» شود و هر

کسی هم که «اهل انابه» باشد «هدایت» می‌شود، لذا اولین چیز مهم «داشتن انابه» است.

- آیه ۲۸: هر کس دنبال آرامش است باید بداند آرامش فقط با «ذکر» حاصل می‌شود. آرامش «فقط و فقط» در ذکر است.

- «ذکر داشتن» یعنی انسان برای خود متذکر باشد تمامی قوانینی را که در این سوره و سور دیگر بیان شد. مثلاً اگر کسی به معنای

واقعی متوجه مساوی نبودن خالق و مخلوق، باشد قطعاً آرامش دارد.

یا رسول الله دست ما را هم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین